

## نغمارش و . وایت (White)

ترجمه از مجله سلکسیون

### لغات، کهن ترین میراث ما

از برست (۱) تا کلکته لغات مشابهی یافت میشود با شکلهایی کم و بیش متفاوت برخلاف آنچه می‌پندارند، کهن ترین یادگار خانوادگی، شمشیر جهانگشای بابا بزرگ یا انگشتر جواهر نشان عروسی جدّه خانم نیست. بلکه از همه این یادگارها کهنتر کلماتیست که مانوسترین موجودات و اشیاء را بدان می‌نامیم مانند: پدر، مادر، آب، خورشید و ماه. این واژه‌ها، که از اهرام مصر قدیمی‌تر و از باروی تروا (۲) استوارتر است، از قبیله کوچک مجهول و از یاد رفته‌ای به ارث رسیده که پنج شش هزار سال پیش زبان ما را بنیاد نهاده است.

هم اکنون، در اروپا و هند، در آفریقای جنوبی و قاره آمریکا، در جزایر اقیانوس آرام نیز، مردمی از نژاد های گوناگون، این واژه‌ها و بسیاری دیگر نظیر آنها را با جزئی اختلاف بکار می‌برند. چنان مینمایند که ما دست کم از حیث زبان، با بیش از یک میلیارد از نفوس بشر بستگی و خویشاوندی داریم.

مذتهای دراز محققان زبانهای باستانی (Humanistes) کوشش یهوده بکار میبردند که دریابند این همانندی نمایان که در برخی از لغات در زبانهای گوناگون دیده میشود از کجا پیدا شده؟ مثلاً تشابه بین لغت پیر (Père) در زبان فرانسوی، پاتر (Pater) در لاتین و یونانی باستان، واتر (Vater) هلندی، فادر (father) انگلیسی، وادر (Vader) هلندی، فادر (fader) سوئدی، آتیر (athir) ایرلندی، پسر در زبان فارسی و پیت (pitr) در سانسکریت، زبان مقدس هندوان، که کم و بیش تلفظی نزدیک یکدیگر دارند و همه معنی پدر میدهد چگونه بوجود آمده است؟ اینجا منظور جز این نبوده که از بین لغات بسیاری از این قبیل نمونه‌ای بدست داده شده باشد.

چگونه میتوان توضیح داد که ملت‌هایی آن چنان مختلف و با فاصله‌هایی باین دوری برای یک معنی، الفاظی باین اندازه نزدیک بهم بکار برده باشند؟ این مشکل سالیان دراز محققان را حیران و سردرگم داشت. در پایان سده هجدهم میلادی بود که با رفته‌ای در مغز محققان زبان جهید: آیا ممکن نیست که همه این واژه‌ها از ریشه و زبان واحدی گرفته شده باشد که در عصر ماقبل تاریخ بدان سخن می‌گفته‌اند.

عاقبة الامر، نتیجه مطالعات و تحقیقات رت. راسک (R. C. Rask) دانمارکی و یعقوب گریم (Jacob Grimm) آلمانی و علماء فقه‌اللغه (Philologues) همزمان آنها بآنجا رسید که اصل و قانون تحول خوش‌آهنگی حروف را (Mutation Consontanique) وضع کردند. این دانشمندان از کشفیات خویش چنین دریافتند که تغییرات و سیر تکاملی زبانهای مختلف مطابق نظم و ترتیب خاصی

(۱) Brest بندری است از کشور فرانسه در کنار دریای مانش.

(۲) Troie از شهرهای قدیمی آسیای صغیر که اهالی آن دهسال مقابل قشون یونان در حال محاصره یابداری کرده‌اند.

است که میتوان بدان قیاس آنها را با یکدیگر سنجید و حتی ریشه و اصل لغات نخستین را بدست آورد .

قانون «تحول خوش آهنگی حروف» زبانشناسان را بشناسائی ریشه عده بی شماری از لغات رهبری کرده است . مثلاً یافته اند که بین لغت یونانی هودر (hudôr) بمعنی آب ، که در پیشوند بسیاری از لغات فرانسوی با تلفظ هیدرو (hydro) بهمین معنی دیده میشود ، وواتر (water) انگلیسی، واسر (wasser) آلمانی ، ودا (voda) روسی ( وداکا که نام مشروب است روسی « آب کوچک» معنی میدهد) ، اودان (udan) سانسکریت خویشاوندی مسلمی است و همه آنها از ریشه مشترکی مشتق شده اند که وودر (wodor) باشد .

زبانشناسان از روی همین قانون برای این زبان اصلی فرهنگی ترتیب داده اند و آنرا زبان «هند و اروپائی» نامیده اند زیرا در عین حال دارای شاخه هائی از زبانهای اروپائی و هندی است . از شاخه لاتینی زبانهای فرانسوی ، ایتالیائی ، کاستیلی (زبان مردم کاستیلا ناحیه ای در مرکز شبه جزیره ایبری) ، کاتالونیائی (زبان مردم کاتالونیا ناحیه ای در شمال شرقی اسپانی) ، پرتغالی و زبان رومانی منشعب شده است ؛ از شاخه ژرمنی زبانهای آلمانی ، انگلیسی ، دانمارکی ، هلندی ، سوئدی ، نوروژی و ایسلندی منشعب گردیده ؛ از شاخه سلتی (Celtique) زبانهای برتن (زبان ایالتی از فرانسه بنام برتانی) ، گالوا ( زبان ناحیه گال واقع در مغرب انگلستان که بانگلیسی ولز خوانند) و ایرلندی انشعب یافته ؛ بشاخه اسلاو زبانهای روسی ، اوکرائنی ، لهستانی ، چکی ، بلغاری ، سربو کراتها وابسته است . بعلاوه زبان هند و اروپائی ریشه و بنیان زبانهای یونانی ، لیتوانی ، ایرانی ، ارمنی و گروهی از لهجه هائی است که از سانسکریت باستانی گرفته شده .

این زبان مادر که همه این لهجه های خویشاوندرا بوجود آورده مربوط بچه قومیت ، و کدام قبیله ای بوده که باین زبان سخن میرانده ؟

ما اکنون اطلاعات فراوانی از مردمی که در آغاز دوران تمدن می زیسته اند در دست داریم . هر چند که باستانشناسان هنوز تپله شکسته ای از خاک بیرون نیاورده اند که بتوانیم بطور قطع و یقین بایشان نسبت دهیم .

علماء فقه اللغه پس از سالها مطالعه و زحمت (با مقایسه زبان یونانی و سانسکریت ، زبان گنھا و لاتینی) ریشه های زبان هند و اروپائی را از نو یافته اند . روش این دانشمندان کاملاً همانند کار علمای دیرین شناسی است که بکمک چند استخوان بدست آمده حیوانی ، استخوان بندی کامل خزنده ای که سالیان دراز است نسلش از بین رفته از نو میسازند . از روی نشانه وی گیری همین لغات ، ما میتوانیم سیر تمدنی که شاید تا شش هزار سال پیش برسد زنده کنیم .

سلسله خویشاوندی در آن زمان دیرین باید باندازه عصر کنونی محکم بوده باشد . فراتر (frater) لاتینی بمعنی برادر بریشه بهراتر (bhrater) هند و اروپائی متصل است ، که در لغت بروذر (brother) انگلیسی و برودر (bruder) آلمانی بچشم میخورد . همچنین لغت لاتینی سورور (soror) بمعنی خواهر بنظر می آید با سیستر (sister) انگلیسی و سچوستر (schwester) آلمانی بستگی دارند و بلاشک از سوسر (swesor) هند و اروپائی مشتقند . داتر (daughter) انگلیسی و توشتر (Tochter) آلمانی بمعنی دختر با دتیر (dottir) ایسلندی ، دچ (dotch) روسی ، دختر فارسی ، تهواتر (thugatèr) یونانی معمولی تلفظی نزدیک بهم دارند وجداعلی

همه آنها دهوقاثر (Dhughater) هند و اروپائی است .

تمدن هند و اروپائی از بومیان امریکائی بیش از کلومی‌ها که از حیوانات اهلی جزسگ ، حیوانی دیگر را نمیشناخته‌اند مقدم بوده است .

اجداد زبان‌دان ما مطمئناً ماده گاو داشته‌اند که گوو (Qwou) تلفظ میکرده‌اند ؛ درآلمانی کوه (kuh) در انگلیسی کو (kow) و در زبان ارمنی کو (kov) که بآنها شیر میداده است ، و شیر را ملگ (melg) مینامیدند ؛ در انگلیسی میلک (milk) و درآلمانی مبلش (milch) . گاونر نیز پرورش میدادند و آنرا اوکسن (uksen) می‌گفتند ؛ درآلمانی اشس (ochs) و در انگلیسی اکس (ox) که بگردن آنها یوغ می‌گذاشتند و آنرا یوگ (yug) می‌نامیدند که بلائین ژوگوم (jugum) گویند . نشانه دیگری این فکر را تولید می‌کند که این گاو ها عرابه هم می‌کشیدند ، زیرا ملل هند و اروپائی چرخ را میشناخته‌اند و بان ککلو (Qeqlu) می‌گفته‌اند (در لاتینی سیکلوم (Cyclum) ) و تمام اینها نزد بومیان امریکای بیش از کلومی‌ها ناشناس بوده است .

ملل هند و اروپائی گوسفند را نیز اهلی کرده بودند ، زیرا در زبان اصلی آنها لغت وولانا (wlana) بمعنی پشم را می‌یابیم که ریشه لغت لاتینی لانا (lana) است که در زبان فرانسه بصورت لن (laine) درآمده است ، و ریسندگی میدانسته‌اند چه لغت وبه (webh) را بهمین معنی داشته‌اند که درآلمانی وبن (weben) می‌گویند .

در زبان اصلی هند و اروپائی سگ را کن (Kun) نام داده بودند که کوان (Kuôn) یونانی از آن مشتق است ، و از همین لغت آمده سینیک (Cynique) بمعنی کلبی وکانن (Canin) در زبان فرانسه بمعنی دندانهای کلبی . نزد صاحبان این زبان اصلی لغت گربه ناشناس بوده و محتملاً این بیر مصغر دیرتر بخانواده ما راه یافته ، شاید از آسیا یا افریقا ، و نام آن نیز از ریشه زبان دیگری مشتق شده است . طوایف هند و اروپائی خوک را نیز میشناخته‌اند و بان سو (Su) می‌گفته‌اند (بزبان لاتینی سوس (su-) و سوییس (suis) که لغت سوییدس (suidés) فرانسه بمعنی تیره‌ای از یستناداران که خوک سردسته آنهاست از آن مشتق شود) و همچنین اسب نزد آنان معروف بوده که اکو (Ekwo) مینامیده‌اند . [در لاتینی اکو اوس (Equus) که در لغات فرانسوی اکستر (équestre) بمعنی سوار و اکیتاسیون (équitation) بمعنی فن سواری از آن مشتق است]

اگر لغت آرا (ARA) بمعنی گاو آهن را در زبان اجدادی خود نمی‌یافتیم ممکن بود آنان را مردمی نامتمدن و چادر نشین بشماریم . در زبان لاتین کشت را آرار (arar) گویند که لغت آرابل (arable) فرانسه بمعنی زمین قابل کشت از آن مشتق میشود .

چه می‌کاشته‌اند ؟ بیقین غلات کشت می‌کرده‌اند چه در زبان آنها لغت گرانو (GRANO) بمعنی دانه و بذرغلات موجود است و لغت لاتینی گرانوم (granum) ریشه گرن (grin) فرانسه از آن مشتق است .

چون زراعت می‌کرده‌اند ناچار مقر ثابتی داشته‌اند که مسکن خانواده بوده است . خانه را دم (DOM) می‌نامیده‌اند که دم (dom) روسی و دموس (domus) لاتین از آن گرفته شده است . و لغات دوامو (duomo) ایتالیائی . و دمیسبل (domicil) فرانسه بمعنی منزل و همچنین دمستیک (domestique) بمعنی نوکر و دم (dôme) بمعنی گنبد از همین ریشه لاتین مشتق است .

طوایف هند و اروپائی غلات خود را در ماشینی بنام مل (MEL) آسیا می‌کردند [در فرانسه مولن (moulin) بمعنی آسیا در لاتین ملا (mola) انگلیسی میل (mill) آلمانی موهل (mühle)]

و نان می‌پختند و آنرا یا (PA) می‌نامیده‌اند [ در لاتین پانیس (panis) که لغات پن (pain) بمعنی نان ، پانه (paner) غذایی که با خرده نان آمیخته باشد ، پاناد (panade) سوپ روغن و نان یانتیه (panetière) اثنان نان از آن گرفته شده است ]

همة این اطلاعات از ریشه‌های قدیمی لغات و لهجه‌های عده بسیاری از زبانهای مختلف بدست آمده همچنین است. ارقامی که ملل هند و اروپائی استعمال میکردند : (۱) اوانس (oinos) ، (۲) دوا (Duo) ، (۳) تریس (treies) ، (۴) کتور (qetwer) ، (۵) پنک (penqe) ، (۶) سوکس (sweks) ، (۷) سبتن (septn) ، (۸) اکتو (okto) ، (۹) نیون (newn) ، (۱۰) دکم (dekm) .

اگرچه نام جدید ارقام که اکنون استعمال میشود تا حدی تغییر کرده است ولی بطور کلی تقریباً تمام این ریشه‌ها در زبان‌های مختلف ملل هند و اروپائی دیده میشود ، ان (un) بمعنی يك در فرانسه ، دو در فارسی و فرانسه همچنین تروا (troi) و کاتر (quatre) فرانسه بمعنی سه و چهار پنج فارسی و غیره . . .

آیا ملل هند و اروپائی از وضع حکومت آگهی داشته‌اند ؟ آنان « فعلی داشته‌اند که از آن معنی « حکومت و سلطنت » فهمیده میشود و آن کلمه رگ (Reg) است که راجه هندی و رگس (ex) لاتین بمعنی شاه از آن گرفته شده است . همچنین « رهبری » را دک (Deuk) می‌گفته‌اند که دوک (duc) فرانسه و دوس (duce) ایتالیائی از آن مشتق است .

این فیله نخستین در کدام ناحیه میزیسته است ؟ در هیچیک از زبانهای هند و اروپائی ریشه مشترکی برای لغات شیر ، پیر ، فیل ، شتر یا نخل یافت نمیشود ، بنابراین میتوان چنین نتیجه گرفت که مسکن ایشان نباید در ناحیه‌ای کاملاً جنوبی باشد ، ولی فرهنگ آنها شامل لغات ذیل بوده است : سنیقو (Sneighw) بمعنی برف [ در فرانسه نژ (Neige) ، انگلیسی سنوو (snow) ، یونانی نیفا (nipha) ، در زبان اهالی گال نیف (nif) ، لاتینی نیکس (nix) ] . لغات مزبور چنین مینمایند که محل آنها ظاهراً در نواحی شمالی واقع بوده است .

میدانیم که بعضی جانوران وحشی از قبیل مار ، بیدستر ، خرس ، غاز ، خرگوش و اردک را میشناخته‌اند . لغتی داشته‌اند برای تعیین رود های کوچک و لغت دیگری برای آبگیرهایی که دارای آب شور یا شیرین بوده است و از آن لغت مار (mare) لاتینی بمعنی دریا گرفته شده (کلمات مر (mer) بمعنی دریا ، مار (mare) بمعنی مرداب ، مارن (marin) بمعنی کشتی‌بان . . . از مار لاتینی مشتق است) . درباره درخت آتاریست که میتوان حدس زد لا اقل دو درخت قان (bouleau) و شجر النبع (hêtre) را میشناخته‌اند .

زیست‌شناسان تشخیص داده‌اند که جانوران و درختان مذکور بومی منطقه معتدله هستند . این علامات و آثار بی‌شمار دیگری نشان می‌دهد که مهد زبانهای هند و اروپائی باید ناحیه‌ای در اروپای مرکزی باشد و شاید در مرز های امپراطوری سابق اترایش و هنگری واقع بوده است .

کم کم در اثر افزایش جمعیت و جنگها ملل هندواروپائی شروع بنقل مکان کرده‌اند . اینگونه کوچ‌ها هزاران سال ادامه یافته و آنها را بنقاط بسیار دور برده است . دسته‌ای از آنها شاخه اسلاو را بشمال کشانده ، شاخه دیگر لاتین را در سواحل بحر الروم مستقر ساخته ، شاخه سلت بنواحی که امروز انگلستان و فرانسه واقع است رفته و شاخه ژرمن از ساحل راست رودخانه رن تا ممالک اسکاندیناوی بسط یافته است .